

علیرضا بیرانvand

Alireza Beiranvand

جریمه اشتباهی

■ **خماند:** دوم مورد ابزاری دیدن تماشاگر در گذشته است. برای باشگاه‌های ما در سال‌های اخیر تماشاگران ابزاری برای رسیدن به اهداف خاص بودند. تماشاگر را به ابزار برد تبدیل می‌کنیم، با این تفاوت که تماشاگر ابزار ماشینی نیست و وقتی یک رفتار برخاسته در او نهادینه شد، دیگر کنترلش از دست ما خارج می‌شود. سوسمین عامل تغییر نقش تماشاگر است. تماشاگر ببینده‌انفعالی نیست و برای خودش نقش عاملیت قائل است و می‌گوید من باید در نتایج دخیل باشم. تماشاگر خودش را در انتخاب مربی، بازیکنان و حتی تعیین ترکیب دخیل می‌داند او چه ابزاری جز صدا برای این نقش دارد؟ صدا هم هر چه بلندتر باشد، بهتر. چهارمین عامل نقش مکانیسم‌های دفاعی است. بچه ۱۵ ساله شاید مشکل اقتصادی نداشته باشد ولی مشکلی از نوع دیگر دارد. عامل پنجم شکل تنبیه است؛ جریمه‌ای که برای فحاشی در نظر می‌گیریم. این جریمه نه تنبیهی است و نه ترمیمی است؛ یا مالی است یا محرومیت. این جریمه بیشتر برای باشگاه است، نه کسی که فحش داده. باشگاه رابطه طولی با تماشاگر دارد و باشگاه ابزاری برای کنترل تماشاگر ندارد.

■ **اشراقی:** باشگاه دولتی است و این جریمه از جیب دولت می‌رود.

■ **خماند:** یک عامل دیگر مسئله احساس محرومیت نسبی است. در سال‌های اخیر یک نوع احساس تبعیض در فوتبال ما رشد می‌کند و هوادار حس می‌کند تیشم مظلوم است و تیم‌های دیگر حکومتی هستند و احساس می‌کنند نهادهای حاضر در فدراسیون نمی‌توانند از حشش دفاع کنند، خودش وارد عمل می‌شود.

فضای مجازی

■ **اشراقی:** همه بحث هواداری، فضای مجازی نیست. فضای مجازی که مشخص است، طرف خارج از ایران نشسته یک صفحه هواداری استقلالی و یک صفحه پرسپولیسی راه انداخته، با آگهی‌های مشترک و اتاق فکر مشترک و هواداران را به جان هم می‌اندازد و کاسبی می‌کند. هواداری خیلی مقدس است؛ یک تیم را دوست داری، از آن دفاع می‌کنی و در ورزشگاه گلویت را هم برایش پاره می‌کنی. بعضی از هواداران که منطقی تر هستند، احساس می‌کنند از مدیر باشگاه بیشتر می‌فهمند و او درست نمی‌فهمد. در مورد باشگاه استقلال می‌توانم بگویم بیشتر هواداران استقلال از مدیران این باشگاه بیشتر می‌فهمند. در کل خیلی از مرد عادی فوتبال را خیلی بیشتر از مدیر و اعضای هیأت‌مدیره می‌فهمند.

فرق بیرو با ترابی و اسماعیلی‌فر

■ **خماند:** در مورد بیرانوند باید چند وجه را در نظر بگیریم تا به حکم برسیم. یک اینکه از دست دادن برای بیرانوند برای هوادار پرسپولیس درناک است. ترابی و اسماعیلی‌فر هم برای آنها مهم بودند اما سکوهای پرسپولیس بیرو را بیشتر دوست داشت و رفتش در بدبختی داشت. نکته دوم این است که بیرانوند حتی در زندگی‌اش هم یک سادگی دارد. امسال را نباید ببینیم. بیرو این سناریو شوکت‌خورده را پار سال هم انجام داد. یک‌بار هوادار پرسپولیس را بازی داد. نکته سوم تقابل درویش و بیرانوند بود. اینها سر فسخ قرارداد یک شرطی برای جذب هوادار درست کردند. من بیرانوند را یکی از بهترین دروازه‌بان‌های ایران می‌دانم. کاری که او در جام جهانی کرده حجازی کرده و نه عابدزاده. با اینکه بیرانوند را دوست دارم ولی باید از او برسیم اصل دفاعیات بر اساس چه جمله‌ای بنا شده؟ می‌گوید چرا به من حق فسخ دادند، خوب آنها ندادند، تو استفاده نمی‌کردی. چرا فکر می‌کنی با یک جمله به‌ظاهر منطقی (من شیرینی دادم) می‌توانی هوادار پرسپولیس را قریب بدهی. یا فراقی‌های دیگر، زرنگی دو طرف در این قضیه عیان بود. شما می‌توانستی خیلی راحت مثل ترابی و اسماعیلی‌فر، بگویی پیشنهاد خوب دارم و می‌خواهم بروم، مثلاً بگویی اینجا از امش ندارم و می‌خواهم به جایی بروم که آرامش بیشتری دارم، یا زرنگی صادقانه می‌زتی. نکته سوم که کلید همه چیز است، این است که فوتبال ما سطح نبش شده و شیشه نیست. از یک طرف درویش تهدید می‌کند، از یک طرف نوزی، یک طرف تبریز است و یک طرف تهران. اگر هم فدراسیون بخواهد بدون ملاحظه‌کاری و مصلحت‌اندیشی حکم بدهد، نمی‌تواند. تمکین به قانون را در هیچ بخش باشگاهی نمی‌بینیم. نکته آخر هم اینکه در همه این سال‌هایی که من در فوتبال بوده‌ام، هیچ نتوانستم سازو کار هیچ حکم حقوقی در فوتبال را درک کنم. در موارد مشابه، شاهد برداشته‌ها و حکم‌های نامشابه بوده‌ام. این اتفاق باعث شد حکم هر چه باشد، یک طرف ناراضی باشد. ■ **اشراقی:** همین چیزها شائبه‌ها را زیاد می‌کند. همین قانون سفت بودجه؛ پارسال از سپاهان ۴ امتیاز کم کردند و دوباره برگرداندند. در این فوتبال چطور می‌توانی باور کنی که صدور یک حکم ۷ ماه طول کشیده. در کل در قضیه بیرانوند هر چند مقصر است اما مستحق این همه فشار نیست. از لحاظ فنی پرسپولیس بیشتر از رفتن مهدی ترابی لطمه خورد تا بیرانوند. ترابی مهره کلیدی‌تری برای پرسپولیس بود.

ظلم به دروازه‌بانی

■ **اشراقی:** افشش بیشتر روحی است. به زبان گفتنش راحت است ولی وقتی یک استادبوم عیبات باشند، نمی‌توانی خوب باشی. افت بیرو فنی نیست، من هم می‌گویم او یکی از بهترین دروازه‌بان‌های تاریخ ایران است؛ هر چند مقایسه او با عابدزاده ظلم به دروازه‌بانی است و عابدزاده دیگر تکرار نمی‌شود. یک‌بار از هاشمی نسب پرسیدیم در ورزشگاه ۶۰ هزار نفر بهت فحش می‌دهند چطور تحمل می‌کنی. گفت مهم نیست، قبلاً ۴۰ هزار نفر فحش می‌دادند و الان ۲۰ هزار نفر بیشتر شده‌اند و تحمل می‌کنم. وقتی تصمیمی می‌گیری باید عواقبش را هم ببگیری. الان هاشمی نسب می‌گوید آن موقع تصمیم درستی گرفتم و با ۱۰ برابر پولی که استقلال داد زندگی خودم و خانواده‌ام را نجات دادم. وقتی قبول می‌کنی قرارداد را بگیری، باید عواقبش را هم تحمل کنی.

پایان بندی

■ **خماند:** برای اینکه فحاشی را از فوتبال حذف کنیم باید مسئله فحاشی در جامعه را حل کنیم. باید فلفل‌ها از کابینه‌ها بیرون بیاید و جلوی چشم باشد و کار از خانواده شروع شود. صلاوسیم، رسانه‌ها، وقتی به جایی رسیدیم که یک هوادار نابینا به یک پیشکسوت توهین کرد، رسانه‌ی آن را دید، حذفش کند نه ویرال کند، آن روز مشکل حل می‌شود. باشگاه‌ها نباید کار فرهنگی را در یک معاونت محقر با ۳ کارمند ببینند، باید در همه اجزای باشگاه حاکم کنند و بفهمند رفتار و گفتارشان، حتی نوع حرکت‌هایی که می‌کنند، پیامد دارد. اگر از فحش دادن به‌خودت ناراحت می‌شوی، از فحش دادن به دیگران هم ناراحت شوی؛ چون زنجیره ناساز تشکیل شود، خودت هم در مقابلش ایمن نیستی.



داستان پیک انتقال

نگاهی دقیق‌تر به ماجراهای بیرانوند در ماه‌های

اخیر با حضور کارشناسان رسانه

➕ **اشراقی:** پیرو برگردد تشویقش هم می‌شود

➕ **خماند:** پیرو در زرنگی‌اش هم پیک سادگی دارد

هنوز فصل جدید فوتبال ایران شروع نشده بود که علیرضا بیرانوند با فسخ یک‌طرفه قراردادش و حضور در تبریز، به یکی از چهره‌های جنجالی فوتبال ایران تبدیل شد. شاید هر کس دیگری جز بیرو بود، پرونده حواشی انتقال او به تراکتور بعد از گذشت چند هفته بسته می‌شد؛ اتفاقی که در مورد بازیکنانی مثل ترابی و اسماعیلی‌فر هم رخ داد اما نحوه جدایی دروازه‌بان اول تیم ملی از قرمز پوشان پایتخت باعث شد تا پس از گذشت حدود یک‌سال این پرونده باز باشد. کار در ماه‌های اخیر به جایی رسیده که بیرو حتی در بازی‌های ملی هم از سوی تماشاگران مورد فحاشی قرار می‌گیرد. در این میان افت فنی بیرانوند هم ماجرا را برای او پیچیده‌تر کرده است. تمامی این عوامل پهنه‌ای شده که در حضور فرهاد اشراقی، مدیر مسئول و سردبیر روزنامه خبر ورزشی و افشین خماند، یکی از روزنامه‌نگاران با سابقه، نگاهی دقیق‌تر به اتفاقاتی داشته‌باشیم که در ماه‌های اخیر برای دروازه‌بان مورد علاقه قلم‌نویس افتاده است.

فحاشی به بیرانوند در بازی‌های ملی

■ **فرهاد اشراقی:** قبلاً هم این اتفاق افتاده بود. دهه‌های ۶۰ و ۷۰ هم از این اتفاقات زیاد داشتیم. زمانی که علی پروین سرمربی تیم ملی بود، بارها به او توهین کردند.

■ **افشین خماند:** در بازی ایران و عمان در مقدماتی جام جهانی وقتی مایلی کهن آدموند اختر را بیرون کشیده، هیچ استقلالی در زمین نبود و تا زمانی که علی منصوریان به بازی بیاید تماشاگران به عابدزاده فحاشی کردند.

■ **اشراقی:** در این سال‌ها کمتر شاهد این اتفاق بوده‌ایم چون خیلی از بازی‌های ملی در ایران نبوده، خیلی از بازی‌ها هم نتوانسته جمعیت زیادی را به ورزشگاه بکشاند. در کل نمی‌شود یک‌بعدی به این مسئله نگاه کرد. همه عوامل و شرایط جامعه را باید در نظر گرفت؛ شرایط اقتصادی، اجتماعی، هنجارهایی که هست و خیلی چیزهای دیگر تا برسیم به خود آقای بیرانوند. بیرانوند دروازه‌بانی است که با زحمت خودش را بالا کشید و شایستگی و توانایی‌اش را هم داشت. البته جوری بعد از عابدزاده او بهترین دروازه‌بان ایران است. البته در این قضیه خود بیرو هم مقصر بود. نحوه جدایی‌اش از پرسپولیس که یک باشگاه برطرفدار است، خیلی تأثیرگذار بود. همین حکمی که ۷ ماه است صادر نشده، خودش شائبه ایجاد می‌کند.

چرا حکم صادر نشد؟

■ **اشراقی:** آقای صالحی توضیح داده بود که چرا صدور این حکم اینقدر طولانی شده ولی خود من خیلی قانع نشدم. گفت پرونده تعیین وضعیت شده، فرستادم طرفین و... همه این کارها چقدر طول می‌کشد؟ خود بیرانوند بعد از بازی با ازبکستان گفت همین امشب حکم را بدهید. ببینید که خودش چقدر تحت فشار است. البته جوری که بیرانوند صحبت کرد، مخاطب حس می‌کرد حکم به نفع خود اوست. در مورد این فحاشی‌ها باید بگویم نحوه اعتراض در فوتبال ما هم قشنگ نیست. خیلی جاها وقتی می‌خواهند اعتراض کنند دستمال سفید نشان می‌دهند، سوت می‌زنند، هو می‌کنند و...

ریشه‌یابی فحاشی‌ها

■ **افشین خماند:** وقتی می‌خواهیم فحاشی در ورزشگاه یا به‌طور خاص فحاشی به بیرانوند را بررسی کنیم، باید به ریشه‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه برگردیم. باید ببینیم میزان استفاده از لغاتی که در دوران کودکی ما ممنوع و قبیح بود، حالا چقدر است. من اصلاً به فوتبال کار ندارم، ادبیات رایج در فضای مجازی ما سرشار از این



با اسکن این کیوآرکد
فیلم کامل این
گفت‌وگورا تماشا کنید.

اشراقی:

درباره بیرانوند می‌توانیم بگویم که او می‌توانست خیلی بهتر جدا شود. بیرانوند اگر همین فصل بعد به پرسپولیس برگردد این جمعیت تشویقش می‌کنند. ۲۰ نمونه مثل او را در این ۲۰ سال داریم، نمونه‌اش شاهرخ بیانی. از استقلال به پرسپولیس رفت. در دربی به ناصر حجازی گل زد، با مشت‌های گره‌شده رفت سمت سکوهای استقلال، تماشاگر بعد از آن گل سگته کرد اما چند سال بعد که دوباره به استقلال برگشت مثل یک ستاره تشویق شد و الان هم می‌گویند من استقلالی‌ام. با قضیه انتقال عابدزاده و هاشمی نسب

خماند:

در حال حاضر فقط فحاشی به بیرانوند به چشم آمده. بازی‌های هفته گذشته لیگ را بررسی کنیم، پر از پرخاشگری و توهین بوده. مربی خارجی به فوتبال ما می‌آید و تا قبل از بازی او را آدم محترم و بی‌صدایی تصور می‌کردیم، یک دقیقه به مربی حریف می‌گوید او باش